

تأملی بر فلسفه سیاسی واقعه غدیر خم

## گذر از عقل نظری به عقل عملی

چرا «رویداد غدیر» نقطه عطفی در تاریخ سیاسی اسلام شد؟

دکتر علیرضا مددرا

استاد علوم سیاسی، دانشگاه تهران

۱. «دین» در تاریخ بشر، همواره سیر متکامل و روبه کمالی داشته است.

اما منظور از دین چیست؟ در آیه ۱۹ سوره آل عمران آمده است: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ؛ دین در نزد خدا، اسلام است.» منظور از «اسلام» توحیدمحوری و تسلیم حق بودن است. بر این اساس، دین همه پیامبران موحد همچون حضرت ابراهیم(ع)، حضرت نوح(ع) و دیگر پیامبران نیز در دایره دین اسلام قرار می‌گیرد. دین اسلام از آن رو که «توحیدی» است، انسان‌ها را از بدویت به مدنیت‌گذار می‌دهد. تاریخ بشر نیز گواهی بر این مدعا است و نشان می‌دهد که چگونه «انسان‌های مدنی شده دین‌باور» تمدن‌ساز شدند و آنان که در بدویت ماندند، از بین رفتند. بنابراین، تاپیش از اینکه دین به زندگی و حیات انسان‌ها ورود پیدا کند، انسان‌ها زندگی اجتماعی، ارادی و قانونمندی نداشتند و به شکل قبیله‌ای و طبیعی زندگی می‌کردند. برخی متفکران همچون توماس هابز، فیلسوف سیاسی، از این دوران بدوی تحت عنوان زیستی خشن یاد می‌کنند اما برخی همچون ژان ژاک روسو از آن دوران تلقی مثبتی دارند.

۲. شریعت پیامبر گرامی اسلام(ص) در مقایسه با پیامبران سلف خود دایره شمول گسترده‌تری داشت. به همین دلیل پس از ایشان، ما «ختم نبوت» و «آغاز امامت» را شاهد هستیم. واقعیت این است که شریعت حضرت آدم(ع) و

احکامی که صادر کردند، در سطح خانواده بود و شریعت حضرت نوح(ع) در حد قبیله بود؛ اما شریعت یا حضرت ابراهیم(ع) به نقطه عطف خود می‌رسد. پیش از ایشان «امامت» و «نبوت» توأمان است اما ایشان پس از آن آزمایش سخت الهی به «مقام امامت» هم نائل می‌آیند. پس از ایشان، دیگر پیامبران شاخص همچون حضرت موسی(ع) و حضرت عیسی(ع) دین توحیدی ارائه می‌کنند اما شریعت‌شان در حد قوم بنی اسرائیل است؛ بدین معنا که رسالت‌شان بعد جهانی ندارد.

اما پیامبر اسلام(ص) هم دینی که ارائه می‌کند، جهانی است و هم در شریعت‌شان هدایت کل بشر را محل توجه دارد. حضرت محمد(ص) ضمن اینکه نبی و راهنما است و «ولایت» دارد، «امام» هم هست؛ یعنی رهبری سیاسی و اجتماعی جامعه را هم برعهده دارد و به همین دلیل است که «دولت» تشکیل می‌دهد. این در حالی است که پیامبران سلف، به این معنای مورد نظر ما، دولت تشکیل ندادند. البته در روایات از دولت حضرت آدم(ع) هم سخن به میان آمده است اما آنچه دولت‌سازی در زمان پیامبر اکرم(ص) را از دیگر پیامبران سلف متمایز و برجسته می‌کند، نهادینه شدن دولت در دوره نبوت ایشان است.

۳. با رحلت پیامبر اکرم(ص) ما با ختم نبوت مواجه می‌شویم ولی ختم نبوت به معنای پایان هدایت و راهبری جامعه مسلمین و فراتر از آن جامعه بشری نیست. در رویداد غدیر خم، ما گذار اسلام و بشریت را از «مرحله نبوت» به «مرحله امامت» شاهد هستیم

ما در هر جامعه دین‌باوری با سه مقوله «هدایت»، «ولایت» و «امامت» مواجه هستیم. منظور از هدایت «راهنمایی»، منظور از ولایت «سرپرستی» و منظور از امامت «رهبری» است.

رهبر سه وظیفه «ترتیب»، «تعلیم» و «تدبیر» را برعهده دارد. بر این اساس، رهبر باید دانش سیاسی و اجتماعی داشته باشد و بتواند جامعه را مدیریت و تدبیر کند. این مؤلفه‌ها را همه قبول دارند و این مؤلفه‌ها، تکوینی هستند و نظام هستی این‌گونه خلق شده است. به همین دلیل است که از امامت و نبوت به عنوان اموری «ذاتی» و در مرحله‌های بعدی به عنوان اموری «فطری»، «شرعی» و «عرفی» سخن به میان می‌آید. بر این اساس «امام» به دلیل بهره‌مندی از سه مؤلفه تربیت، تعلیم و تدبیر، «اعتدال» و «وحدت» را برقرار می‌کند؛ چرا که بر اساس نقشه‌راهی جامعه را اداره می‌کند که پیامبر تدوین کرده است. بنابراین عید غدیر به معنای رجعت و گذار از «عقل نظری» به «عقل عملی» است؛ عقلانیتی که پیامبر تئوریزه و ترسیم کرده بود.

اما نکته‌ای که در این میان نباید از نظر دور داشت، این است که «تعیین حدود» در یک جامعه بر عهده امام نیست بلکه بر عهده پیامبر و خداوند است. اما «تعیین احکام» از وظایف سیاسی و اجتماعی امام در یک جامعه دینی است و در زمان غیبت، این مسئولیت اجتماعی به تطبیق و استنباط احکام شرعی فرعی در خصوص مسائل روز جامعه محدود می‌شود.

حجاب باعث شد این امر همواره مورد سوء استفاده برخی جریان‌های سیاسی قرار گیرد. شاید مسئولیت اجتماعی اهالی اندیشه این باشد که برای اقیاع افکار عمومی به این دست از پرسش‌ها پاسخ دهند: آیا اساساً تعیین حدود پوشش به اختیارات حاکمیت برمی‌گردد؟ آیا در عصر حکومت پیامبر اکرم(ص) و امیرالمؤمنین(ع) حجاب الزامی بوده است؟ مبانی فلسفه حقوقی و اخلاقی الزام حجاب چیست؟ نوع مدیریت فرهنگی حجاب نیز در سال‌های بعد از انقلاب صرفاً به سند نویسی در شورای عالی انقلاب فرهنگی سپری شد و اسناد نگاشته شده نیز به دلیل کلی بودن

کرده اندیشه «الزام به حجاب» از ابتدای انقلاب موضوعی چالش برانگیز بود؛ طیف وسیعی از جریان‌های همسو با انقلاب و در رأس آنها، حضرت امام خمینی(ره) موافق الزام حجاب بودند و برخی هم با الزام حجاب مخالفت می‌کردند. طیف وسیعی از مخالفان حجاب، با اصل این حکم مخالف نبودند، بلکه تنها به «الزامی بودن» آن معترض بودند و این شبهه را در میان افکار عمومی ایجاد می‌کردند که «چرا حجاب باید امری الزامی باشد؟» از طرف دیگر، کم‌کاری برخی کارگزاران، مدیران فرهنگی و حتی اهالی اندیشه در زمینه اقیاع افکار عمومی در رابطه با الزام

## زیست عقیفانه

### چرا «حجاب» از اولویت‌های نظام است؟

دکتر حسین سوزنجی

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و هیات علمی دانشگاه باقر العلوم(ع)

به سه دلیل حجاب جزو اولویت‌های نظام است؛ نخست اینکه، خود مسأله حیا و عفاف از ارکان دینداری است. ما در زمانه تمدن برهنگی هستیم و این تمدن عدم حجاب را طلب می‌کند و این امر حساسیت مسأله حجاب را بالا می‌برد.

دوم اینکه، به تعبیر هایدگر ما در عصر تصویر جهان بسر می‌بریم و نمادهای تصویری حرف اول را می‌زنند. در این شرایط حجاب نخستین تصویری است که از یک مسلمان به چشم می‌آید و نماد مسلمانی است. این امر بدین معنی است که علاوه بر سویه عفاف، حجاب از زاویه هویتی هم در زمانه ما موضوعیت پیدا کرده است. سوم بحث موج فمینیسم است که همه امور مربوط به زنان را تحت‌تأثیر قرار داده است و هر بحثی که درباره زنان باشد خود به خود در اولویت قرار می‌گیرد.

متناسب با این وضعیت که حجاب امروزه پیدا کرده است دشمن، دو هدف را در دستور کار دارد؛ نخست، سرمایه‌گذاری در زمینه ترویج بی‌عفتی و دوم، نگاه به مقوله حجاب به‌عنوان بحثی هویتی. لذا حجاب چون تبدیل به نماد هویتی نظام شده است نمی‌توان آن را نادیده گرفت. از این رو، برای دشمن

هم تخریب این نماد موضوعیت پیدا می‌کند. اگر می‌خواهیم به مقوله حجاب و عفاف ورود حکومتی کنیم باید چهار مطلب را برای خود حل کنیم؛ نخست اینکه، چه فهمی از حاکمیت داریم؟ ما یک ولی فقیه داریم که تلاش می‌کند امور را بر اساس اسلام پیاده و مدیریت کند، اما مشکل اینجا است که ناخودآگاه بسیاری از مسئولان اجرایی خود را فقیه تصور کرده و نظر شخصی‌شان را به اسم اسلام اجرا می‌کنند. حال پرسش اینجا است که آیا مسئولانی که بر طرح‌ها و آرا و راه‌حل‌های خود اصرار می‌ورزند، فقیه هستند و نظرشان نظر اسلام است؟ یا یک نظر شخصی است که باید در عرصه میدانی آزمونده شود و مورد بررسی کارشناسی علمی قرار گیرد؟ مشکل این است که این افراد نظرات شخصی خود را به اسم اسلام اجرا کرده و از اسلام هزینه می‌کنند!

مطلب دوم این است که چه فهمی از مناسبات حاکمیت و مردم داریم؟ ما در بحث دولت و مردم، نیازمند «دولت ضعیف» و «مردم قوی» هستیم (منظور از «دولت ضعیف» میزان اعمال قدرت دولت در برابر مردم است و گرنه تردیدی نیست که مجموع



دولت و ملت در برابر بیگانه باید قوی باشند). این همان چیزی است که رهبر معظم انقلاب با تعبیر «مقتدر مظلوم» از آن یاد کردند؛ به این معنی که سیاست‌سوم این است که ما چه فهمی از مخاطب و مطلب سوم این است که ما چه فهمی از مخاطب و تنوع مخاطبان داریم و برای اجرای سیاست‌ها برای این مخاطبان متنوع چه فکری کرده‌ایم؟ مطلب چهارم این است که چه فهمی از حجاب داریم؟ درباره اینکه «چه باید کرد؟» ذکر دو نکته را لازم می‌بینم؛ نخست اینکه، کلیت برنامه‌ها باید بر این اصل استوار باشد بی‌حجابی هزینه داشته باشد. امروزه وضعیت به گونه‌ای شده که بی‌حجابی هزینه فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی ندارد؛ اما حجاب هزینه‌دار شده است؛ در حالی که باید بالعکس باشد. دومین نکته این است که حکومت باید از مداخله‌های مستقیم کنار بکشد و غیرمستقیم مداخله کند. همین مثال ایجاد هزینه برای بی‌حجابی و کم کردن هزینه برای احجاب‌ها نمونه‌ای از اقدامات غیرمستقیم است که در وراج فرهنگ حجاب و عفاف اثرش بسیار بیشتر از مداخلات مستقیم حکومت خواهد بود.



نشده است و ما مصادیق «زیست عقیفانه» را مشخص نکرده‌ایم. همچنین زمانبندی اهداف را مشخص نکرده و جغرافیا و فرهنگ‌های مختلف را در نظر نگرفته‌ایم. محور سوم «فعالیت‌ها و اقدامات» است. فعالیت‌ها و اقداماتی که تا کنون انجام شده سلبی، حاکمیتی، مستقیم، سطحی، ضربتی و کلیشه‌ای بوده است و نباید انتظار داشته باشیم که با این اقدامات مستش به نتیجه برسیم. باید اقدامات‌مان متمرکز شود و به جای اینکه با طرح‌های خود تمرکز افکار عمومی را به خیابان بکشانیم باید تمرکز را به مراکز تعلیم و تربیت مانند مدارس و دانشگاه‌ها ببریم.



### جدا شدن متحجران از گفتمان عفاف و حجاب

دکتر داوود مهدوی‌ادگان

استادیار و رئیس سازمان سمت

بعد از انقلاب، تبدیل شدن عفاف و حجاب به یک «گفتار سیاسی» باعث شد «گفتمان عفاف و حجاب» به خوبی شکل گیرد. از این رو، اکنون با استدلال و دلایل بسیار می‌توان پیرامون این بحث سخن گفت و گفتمان رقیب قدرتمندی که بخواهد مقابل این گفتمان بایستد و پاسخی به آن داشته باشد، وجود ندارد. اگر در گذشته بی‌حجابی می‌توانست در همه عرصه‌ها بویژه محافل علمی عرض اندام کند و خود را جابیندازد، به این خاطر بود که گفتمان حجاب هنوز به خوبی شکل نگرفته بود؛ اما امروزه این گفتمان بدرستی شکل یافته است و رقیب در حال عقب‌نشینی است. اتفاق بسیار جالبی که در این قضیه افتاده است جدا شدن صف متحجران از گفتمان حجاب است. پیش‌تر جماعت متحجران دیندار، خود را در صف مذهبیون جا داده بودند، اما بعد از انقلاب وقتی گفتمان حجاب شکل گرفت یکی از اتفاقات بزرگ

بیش از اندازه و گره خوردن با برخی مسائل حاشیه‌ای روی بوی سیاسی و احساسی به خود گرفت و کمتر «گفتمان عفاف و حجاب» از دیدگاه عقلانی و منطقی مورد ارزیابی قرار گرفت. برای رفع این خلأ علمی «مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی» به مناسبت هفته عفاف و حجاب میزبان گروهی از اهالی اندیشه شد تا گفتمان حجاب و عفاف و ابعاد مختلف آن را به بحث گذارد. آنچه در ادامه می‌خوانید گزینش و ویرایش «ایران» از سخنرانی‌هایی است که در دومین نشست تخصصی «مقتضیات اجرای سیاست‌ها و قوانین حجاب و عفاف» ارائه شد.

این بود که متحجران نتوانستند خود را پنهان کنند. اکنون دیدگاه‌های متحجرانه درباره حجاب در کنار جریان‌های سکولار قرار گرفته‌اند و با آنان همسو شده‌اند. اینها اتفاقات بزرگی است که شکل گرفته و این اتفاقات، تازه آغاز راه است. «گفتمان حجاب و عفاف» حرف‌های جدید خود را مطرح می‌کند و در حال شوک‌فراش شدن است. اکنون این گفتمان در عرصه مد و پوشاک وارد شده است و حرفی برای گفتن دارد. ما با گفتمان حجاب نوآوری‌هایی در عرصه مد و پوشاک ایجاد کرده‌ایم که هم بر «صیانت از تن» و هم بر «صیانت از روان» تأکید دارد. باید به این جنبه گفتمانی مسأله بیشتر بپردازیم و به آن توجه کنیم. وقتی کارگزار ما می‌خواهد به این موضوع بپردازد باید به «فلسفه حجاب و عفاف» آگاه باشد و تجابت و شرافت و حفظ حریم خانواده



می‌شود. زنان بر تغییرات اجتماعی تأثیرگذار هستند و اگر از آنان غفلت کنیم مهم‌ترین تهدید دهه‌های آینده ما از این ناحیه خواهد بود. خوشبختانه هنوز خانواده نهاد بسیار مستحکم و مهمی در کشور ما است. «خانواده محوری» بحث مهمی است که حکمرانی ما تکلیف خود را با خانواده مشخص نکرده است و نگاه ما به خانواده انفعالی و جزئی است. لذا باید پیوست خانواده در سیاست‌ها در نظر گرفته شود.

ما را به عقب بازگردانده است. متأسفانه گاه کارهای بی‌فایده را تکرار می‌کنیم. گویا عزمی برای مقابله با کارهای مخربی که صدها بار از آن صدمه دیده‌ایم، وجود ندارد. در فعالیت‌های عفاف و حجاب باید «کرامت مردم» و «عاملیت مردم» حفظ شود. کم‌اکنون اکثریت مردم با مقوله‌هایی مانند «عاملیت مردم» حفظ حریم خانواده و... همراه هستند. اگر «کرامت مردم» را بالا ببریم این مباحث بیشتر نهادینه

ما با یک نگاه سیستمی نیازمند مجموعه‌ای از سیاستگذاری‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت در زمینه عفاف و حجاب هستیم. یکی از آسیب‌های جدی ما دوگانه سیاستگذاری کوتاه‌مدت و بلندمدت است. صحبت از سیاست‌های بلندمدت، عمیق و ایجابی می‌کنیم اما این امر به حد کلیات رخ نمیدهد. ما از کار نکرده خود خسته می‌شویم و به سمت فعالیت‌های مقطعی و کوتاه‌مدت می‌رویم و این فعالیت‌های شاب‌زده عموماً مخرب است